



غلط‌های مصطلح

پیش از آنکه از غلط‌هایی بسیار که همه بکار برند و در اصطلاح (غلط مصطلح) نام گرفته است سخن بمیان آید، بجاست نکته‌ای چند از عقاید و نظرات اهل فن و مردم عادی، یعنی خواص و عوام، در آن باره گفته شود:

بعضی تصور کرده‌اند همینکه واژه‌ای یا ترکیبی غلط مصطلح شد و عوام، که اکثریت جامعه را تشکیل داده‌اند، آنرا بپذیرفت جزء واژه‌ها و ترکیب‌های درست و صحیح درمی‌آید و میتوان آنرا استعمال کرد و از نادرستی‌اش چشم پوشید.

گروهی دیگر که خواص قوم را تشکیل میدهند و در این امر تحقیق و تتبع دارند، برخلاف این نظر و عقیده هستند و میگویند اگر واژه‌ای غلط که همه آنرا می‌شناسند، بحریم زبانی وارد شد باید بیدونگ آنرا طرد کرد و بدور افکند.

حقیقت آنست که اگر غلطی مصطلح در اجتماع رسوخ یافت نه تنها صورت صحیح خود را هرگز باز نمی‌یابد بلکه برای اجتماع کم‌دانش، از غلط‌های شناخته شده، زیان خیزتر است. زیرا غلط غیر مصطلح بالاخره بدست ادیبان و سخن‌شناسان یا مردم دانش‌پژوه بمرور اصلاح میشود و «درستی» خود را بازمی‌یابد ولی واژه نادرست مصطلح چنان در اذهان جای میگیرد که بعدها هیچکس نمیتواند آنرا تشخیص دهد، بناگزیر در اثر بی‌اعتنائی مردم بهمان شکل «بیمار» میماند و در لوح دل افراد، خاصه دانش‌آموزان، نقش می‌بندد. از اینرو زیان «بیماری ناپیدا» یا «دشمن ناشناخته دوست‌نما» که در صف دوستان قرار میگیرد بیش از زیان «دشمن شناخته شده» است.

اینکه چه‌کس یا کسانی مقصران نخستین بوده‌اند که بدخول این قبیل واژه‌ها در زبان فارسی رخصت داده‌اند بخشی

طولانی دارد. اگر استادان و ادیبان قدیم یا جدید در عصر خود عمداً یا سهواً غلط‌هایی را استعمال کرده‌اند خارج از بحث ماست و تتبع و تفحص در آنرا بدیگران وامیگردد. بعقیده نگارنده بعضی از این غلط‌ها را باید همچو خس و خاشاک دور ریخت و از استعمال آنها جداً دست برداشت و پاره‌ای از آنها را هم بمقیاس اصول ادبی و منطقی پذیرفت و پذیرفتن آنها را از طرف استادانی مانند ناصر خسرو، مولوی، سعدی، حافظ، و نظایرشان دلیل بر خطا یا اشتباه ندانست. دلایلی هست که نشان میدهد آنان این واژه‌ها را، با علم به غلط بودن، بکار برده‌اند.

در پایان این مقدمه بسیار مختصر اگر این واژه‌ها و ترکیب‌ها بترتیب هجائی نوشته نشده است پوزش میطلبید و نیز اگر در آنها اشتباهی و خطائی رفته باشد امید عفو دارد. **۱- ادبیات** : ایرانیان آنرا جمع ادب گرفته‌اند و ادب در عربی بمعنای دانش و فرهنگ و روش نیکو است و علم ادب یعنی درست‌نویسی و نیک‌سرودن و دانستن و آشنا بودن بعلم صرف و نحو و آنچه باخلاق مربوط است و آنرا به آداب جمع بسته‌اند نه بادبیات.

اگر امروز بربی گفته شود (من ادبیات را دوستدارم) بحیرت میماند زیرا این ایرانیان بوده‌اند که واژه ادب را بادبیات جمع بسته‌اند. معلوم نیست بر چه اصل و قاعده **۲- نمودن** : مصدر و نمود فعل ماضی آنست بمعنی نشان دادن و نشان داد ولی امروز نمودن بجای کردن استعمال میشود. در سفرنامه ناصر خسرو که در نهمصد سال پیش نوشته شده است حتی در يك عبارت كوچك ((نمود)) بمعنی ((گرد)) بکار برده نشده است.

۳- بچه جهت : جهت جز سمت معنی دیگر ندارد. امروز بفلط‌جهت را بجای علت و سبب استعمال کرده‌اند و بعوض بچه علت یا بچه نظر و بچه دلیل مینویسند. درحالیکه بچه جهت یعنی بکدام سمت. در زبان عربی هم بطور شاذ و نادر بقیاس از (وجهه) چنین استعمال شده که گویا نخستین مقتبسان ایرانی زبان هم همان قیاس را گرفته‌اند.

۴- صحبت : بمعنای معاشرت و مصاحبت است و بجای گفتگو استعمال میکنند درحالیکه بین معاشرت با گفتگو بسیار فرق است.

۵- دوب : عربی و بمعنای دروازه و در بزرگ است و نمیتوان آنرا بجای واژه در که فارسی است و بمعنای در معمولی و كوچك بکار برد.

۶- **نهار** : بفتح اول، عربی و بمعنی روز است و آنرا هرگز نباید با **ناهار** فارسی که بمعنی گرسنه و غذای ظهر است اشتباه کرد .
۷- **بلادرنگ** : **درنگ** فارسی و «بلا» علامت نفی عربی است که بقیاس بلا توقف یا بلافاصله ساخته شده است، ترکیبی است غلط و بجای آن باید بی درنگ گفت .

۸- **جانا ، گاما ، ناچارا ، زبانا** ، همه غلط است. تنوین خاص زبان عربی است و نباید کلمه فارسی را با تنوین تلفظ کرد. واژه های لاتین راهم که در زبان فارسی متداول شده است نباید با تنوین استعمال کرد مانند تلفنا و تلگرافا و نظایر آن.

۹- **کفاش** ، از اغلاط مصطلح و صحیح آن **کفشگر** یا **کفشدوز** است، کفش فارسی است و ساختن کفاش از آن بقیاس نقاش از نقش عربی جائز نیست.

۱۰- **حاجی** ، بزرگان ادب چون ناصر خسرو و سعدی آنرا استعمال کرده اند ولی صحیح آن **حاج** بصیغه اسم فاعل عربی است . حافظ بحکم ضرورت حاج و حاجی هر دو را بکار برده است.
۱۱- **نراد** : همچون کفاش که بر وزن فعال عربی آمده درست نیست زیرا نرد فارسی است و بجای آن باید گفت **نردباز** .

۱۲- **برعلیه و برله** : نه تنها علیه و له در ترکیب های فارسی بشکلی که امروز استعمال میشود غلط است بلکه افزودن بر به واژه های (له یا علیه) غلط اندر غلط است، چه علیه در عربی بمعنای **بر او** است و اگر بنویسیم بر علیه او معنای آن در فارسی (بربر او) میشود بنا بر این باید گفت بسود او و بزبان او .

۱۳- **فرانسه دانستن** ، ترکیبی نادرست است و نمیتوان آنرا بجای فرانسوی دانستن بکار برد زیرا بعینه چنانست که بجای آنکه بگوئیم ، **او فارسی میداند** گفته شود **او فارسی میداند**، یا بجای آنکه او انگلیسی میداند گفته شود **او انگلیسی میداند** .

۱۴- **برتریت ، دوئیت ، ایرانیت** : این ترکیب ها که به قیاس از ترکیب عربی (تابع، تابعیت - مظلوم، مظلومیت) ساخته شده است درست نیست. در زبان تازی گاهی در آخر بعضی از کلمات (یای مشدد) و (تا) اضافه میکنند و آنرا مصدر جعلی میخوانند اما چنین قاعده ای در کلمات فارسی نیست بنابر این تابعیت و مظلومیت درست و برتریت و ایرانیت و دوئیت و نظایر آنها نادرست است .

۱۵- **پیاده کردن، پیاده شدن** : عکس سوار کردن و سوار شدن است و معنی دیگری نمیتوان بر آن اطلاق کرد. پس اینکه امروز گویند: دانشگاه یا فلان وزارت، برنامه یا طرحی را پیاده کرده یا میکنند صحیح نیست چه برنامه یا طرح جاندار یا سوارکار

نیست که پیاده شود. در اینگونه موارد باید گفت و نوشت :
دانشگاه یا وزارت، فلان برنامه یا طرح خود را بمرحله عمل
درآورده یا در میآورد ...

۱۶- **اعلمتر یا اعلم‌ترین - افضلتر یا افضلترین - اولیتر یا اولیترین :**
باید دانست که اعلم - افضل - اولی - هر سه صفت تفضیلی
و در زبان تازی بمعنی داناتر و فاضلتر و واجبتر آمده و
تربیت‌ترین تنها علامت صفت تفضیلی و عالی در زبان پارسی
است. بنابراین نمیتوان علامت صفت تفضیلی پارسی را بدنبال
صفت عالی تازی درآورد. پس اعلمتر یا افضلترین ، افضلتر
یا افضلترین، اولیتر یا اولیترین درست نیست. حال اگر
گفته شود عده‌ای از بزرگان سخن از قرن ششم هجری به بعد
اعلمتر و افضلتر و اولیتر را با علم به غلط بودن استعمال
کرده‌اند بحثی جداگانه دارد که قابل قبول نکته‌سنجان و
درست‌نویسان نیست.

۱۷- **باغات، دهات، فرمایشات، گزارشات، سفارشات همه غلط**
است چه (ات) علامت جمع عربی است و واژه‌های یاد شده
همه فارسی است و نمیتوان واژه پارسی را با الف و تایی
عربی جمع بست و باید بطور قطع علامت جمع پارسی را که
«ها» است بکار برد و گفت و نوشت: باغ‌ها - دبه‌ها -
سفارشها - فرمایشها و گزارشها .

۱۸- **تکرافات، پاکت، نمرات:** همه غلط است، اگر قرار باشد
واژه‌هایی که جنبه بین‌الملل دارد از بیگانگان اقتباس کنیم از
قبیل: تلگرام، تلفن، پاکت، نمره، رادیو، تلویزیون، بانک،
چک و غیره چرا آنها را با الف و تایی عربی جمع به بندیم و
ناگزیر باید آنها را با علامت جمع پارسی جمع بست و گفت و
نوشت تلگرافها، نمره‌ها، و پاکت‌ها.

۱۹- **خواستته - خواسته.** خواسته بمعنی دارائی و مال است و
خواست بمعنی میل داشت و یا اراده کرد بنا بر این این دو
واژه اگر بجای یکدیگر بکار رود غلط است و هرگاه گفته شود
(خواستته مردم ایران پیشرفت است) و (خواستته ما آزادی
است) هر دو عبارت غلط است اما جمله: خواسته من درستی
است و دانش شما از هر خواسته‌ای گرانبهاتر صحیح و خالی
از عیب.

۲۰- **فخیر - نه** و خیر هر يك به تنهایی نفی مطلبی را میرساند و
افزودن نه به واژه خیر زیادی است. از این لحاظ برای نفی
مطلبی، گفتن یا نوشتن نه یا خیر کافی است و نباید با هم
استعمال شود .